



اسرار شهادت امام حسين عليه السلام از قرآن کریم - قسمت اول

به مناسبت ماه عزای اهل بیت علیهم السلام، طی سلسله مطالبی فقرات آیه پانزده سوره احقاف را شرح داده و متذکر اسرار مصیبات آن حضرت میشویم و برای کسی که تتبعی در تفاسیر روایی داشته باشد، میداند که این آیه شریفه در شأن امام حسین علیه السلام نازل شده و احادیث بسیاری تصریح به این معنی دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم، خداوند میفرماید: وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

یعنی: ما به انسان وصیت کردیم که به پدر و مادرش احسان کند، مادرش او را با ناراحتی حمل کرد و با ناراحتی بر زمین گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد میگوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم و عمل صالحی انجام دهم که از آن خشنود باشی، و اصلاح کن در فرزندان من؛ من به سوی تو بازمیگردم و من از مسلمانانم!

اما در فقره اول آیه وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا غیر از معنای ظاهری، انسان و والدین او در دو

معنی وارد شده:

1- انسان حضرت محمد صلی الله علیه و آله میباشند و والدین، امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند.

2- انسان امام حسین علیه السلام است که والدین او حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها میباشند.

اما معنای اول که حسنین علیهما السلام والدین پیامبر صلی الله علیه و آله میباشند، چنانکه روایت شده **الإِحْسَانُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَوْلُهُ: بِوَالِدَيْهِ إِنَّمَا عَنِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ** توسط مرحوم کرمانی اعلی الله مقامه به معانی مختلفی تفسیر شده که در این مطلب به آن معانی میپردازیم.

ابتدا اینکه نور واحد ائمه علیهم السلام، هنگامی که به چهارده صورت جلوه نمود، هر صورتی در کاری برتر و متبوع سایر اعضا شد، مانند انسان که همه وجودش یک حقیقت بوده و همه اعضا حکایتگر روحی واحدند اما هر کدام از اعضا در خصلتی بر سایرین برتری داشته و در آن خصلت سایر اعضا تابع اویند، مانند خصلت بینایی که سایر اعضا تابع چشمند و به ارشاد او راهبر میشوند.

پس حقیقت محمدیه (ص) نیز چنین شده و در مقام چهارده گانه چنانکه یکی به صورت اصطفی در آمد دیگری ارتضا، دیگری اجتبا، الی آخر ائمه علیهم السلام که هر کدام در صورتی اصل بوده و در آن خصلت صورت های دیگر تابع او بودند.

و در این بین امام حسین علیه السلام صورت ابوعبداللهی و سید الشهدایی را دارا بود و سایر ائمه علیهم السلام در این خصال تابع آن حضرت بودند.

حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مقام عبد اللهی (وَ أَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا) تابع امام حسین علیه السلام بوده و در این خصلت پدر پیامبرند چنانکه لقب ایشان نیز **ابوعبدالله** است. و امام حسن علیه السلام نیز که ابا محمدند نقش مادری دارند و از این جهت است که ائمه علیهم السلام از نسل امام حسن علیه السلام نمی باشند. البته این معارف را به اصطلاح ظاهری پدر و مادر برداشت نکنید، و پدر و مادر در حکمت و عرفان و مقامات ایشان معنای دیگری دارد، مانند آنکه حضرت فاطمه سلام الله علیها هم در یک معنی ام ابیها خوانده میشوند یا پیامبر و علی علیه السلام پدر و مادر امتند که شرح آن گذشت.

پس دانستیم که مقام ابو عبد اللهی مختص امام حسین علیه السلام بوده و در این مقام ایشان برتر از جمیع خلائق و معصومین صلوات الله علیهم و حتی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میباشند، چرا که عبد الله یعنی خاضع و خاشع در جنب عظمت و جلال خداوند و هیچ کس مانند آن حضرت خضوع و خشوع را نزد خداوند به کمال نرساند چنانکه در مطالب بعدی روشن خواهد شد.

و از همین جهت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده **حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ**. معنای حسین منی در این حدیث مشخص است یعنی چه در فرزندی ظاهری و چه در مقام اصطفاء حسین علیه السلام

جزئی از من است، اما در بندگی خداوند و در مقام شهادت من از حسینم علیه السلام. و در معنی دیگر باطن حسین علیه السلام از باطن من مدد میگیرد و ظاهرش از ظاهر من، اما ظاهر من از باطن حسین علیه السلام مدد میگیرد چرا که باطن ولایت اشرف از ظاهر نبوت است. و در معنی دیگر یعنی در مدد ها و فیوضات کلی که از خداوند میرسد، حسین علیه السلام از من فیض یاب میشود اما در فیوضات جزئی که از خلق استفاده میشود من از حسینم و از او میگیرم. مانند آنکه چشم در بینایی خود از روح مدد میگیرد و اگر روح نباشد عمل نخواهد کرد اما روح نیز وابسته به چشم است چنانکه اگر چشم بسته شود روح نخواهد دید.

پس چون امام حسین علیه السلام در مقام ولایت است و ولایت مقام تفصیل نبوت است و نبوت مقام اجمال است و نبوت کلی است و ولایت جزئیات است نه جزئی، پس فیض کلی از نبی به ولی می‌رسد و فیض جزئی از ولی به نبی بالا می‌رود، و از این جهت است که امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه تطنجیه میفرماید **فَعَلِمَنِي عِلْمَهُ وَ عَلَّمَنِي عِلْمِي** یعنی من علم خود را به نبی آموختم و نبی علم خود را به من آموخت، چنانکه روح علم بینایی به چشم آموخت و چشم مرئیات را به روح می‌آموزد و از همین جهت است حاجتی که پیامبر (ص) به جبرئیل دارد پس جبرئیل از پیامبر (ص) فیض یاب است و به پیامبر (ص) فیض رسان، و هر سخنی جای خود صحیح است و مشکلی پیش نمی‌آید.

و اما معنای دوم فقره که گفتیم غرض از انسان امام حسین علیه السلام است و والدین او حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها میباشند، که مطالب بعدی بر این معنی استوار خواهد شد.

در آیات دیگری نیز انسان به امام حسین علیه السلام معنی شده از جمله خداوند میفرماید **إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا** یعنی ما عرضه نمودیم امانت شهادت و قبول انواع محنت و شدت را در اظهار امر دین خود بر آسمانها و زمین و کوهها پس همه سرپیچی ورزیدند از قبول این بار گران و تحمل آن همه شداید و محن، و قبول کرد آن را و بر دوش خود برداشت و بر جان خود خرید آن را حسین علیه السلام که انسان حقیقی و اصلی اوست بدرستی که او مظلوم و مجهول القدر بود. و این امانت همان احسانی بود که امام حسین علیه السلام به والدین خود نمود و با شهادت و فدا کردن خود اسباب نجات شیعیان ایشان را فراهم نمود، که انشاء الله در قسمت های بعد به شرح آن میپردازیم.